

تکنیک های جرم انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران

سید محمود مجیدی* / فاطمه تاج آبادی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹

چکیده

امروزه در فرآیند جرم انگاری، با تکیه بر منافع و مصالح موردنظر قانونگذار، بر لزوم گزینشی تأکید می شود که می تواند در حیطه جرائم مختلف، جرم انگاری های حداقلی یا حداکثری را فراهم سازد. نکته مهم در این زمینه آن است که امروزه در راستای تحقق هر کدام از اقسام جرم انگاری ها، تنها بر ظرفیت درونی حقوق کیفری تکیه می شود. از اینرو در این مقاله، با تکیه بر ارکان مجرمانه سه گانه: قانونی (قانونگذاری ابهام زا، جرم انگاری های نوین و کاهش قیود تقنینی)، مادی (توسعه در موضوع، بزه دیده و بزهکار جرم، جرم انگاری مطلق و اعمال مقدماتی و نیز جرم انگاری مستقل معاونت) و روانی (جرم انگاری با اکتفا به سوء نیت عام و جرم انگاری اندیشه مجرمانه)، راهکار های جرم انگاری حداکثری، با ارائه مثال های مختلف در حقوق ایران ارائه شده است. راهکار هایی که نشانگر شکل گیری سیاست سرکوبگرانه و امنیت مدار قانونگذار ایران در قبال جرائم خطر آفرین علیه امنیت عمومی و حاکمیت سیاسی می باشد. با این وجود، سیاست کیفری ایران در زمینه استفاده از برخی از راهکار ها به مانند جرم انگاری مستقل معاونت، بکارگیری قیود حداقلی در متون قانونی و جرم انگاری با اکتفا به سوء نیت عام، چندان تمایلی از خود نشان نداده است.

کلیدواژه: جرم انگاری حداکثری، حقوق کیفری توسعه گرا، جرم انگاری امنیت مدار، جرم انگاری ابهام زا.

۱- مقدمه

ظهور و رشد جنبش های ترحم مدار و مجرم مدار، توسعه روزافزون نهاد های غیر کیفری و نیز منطقه ای و جهانی شدن رویکرد های حقوق بشر، سیاست جنایی تقنینی کشور ها را در حوزه های جرم انگاری اعمال مجرمانه، تدوین قواعد دادرسی و گزینش پاسخ های کیفری تحت تأثیر قرار داده است. از اینرو امروزه در فرایند جرم انگاری، سخن از لزوم گزینشی می شود که می تواند از یک سو، به یافتن اصول و ملاک های جرم انگاری کمک نماید و از سوی دیگر، لزوم محاسبه هزینه های اقدام کیفری را به قانونگذار گوشزد نماید. این رویکرد با اعتقاد به لزوم تأمین حداکثر آزادی های فردی، اقدام به جرم انگاری را تنها بر مبنای اصول و ملاک های معرفی شده و یا از طریق محاسبه و سنجش منافع و هزینه های اقدام کیفری، منطقی و مجاز می داند. بدیهی است که تحدید استفاده دولت از ابزار حقوق کیفری و افزایش سهم ساز و کار های غیر کیفری در امر مبارزه با بزهکاری، نخستین و مهم ترین نتیجه آن، رویکرد حداقلی به جرم انگاری اعمال مجرمانه خواهد بود. از اینروست که امروزه تلاش می گردد تا در امر جرم انگاری، با ترسیم مرز مداخله دولت، از مداخله حداکثری آن در مسأله پاسخ دهی به اعمال ضد اجتماعی ممانعت به عمل آمده و استفاده دولت از حقوق کیفری به مواردی محدود گردد که از دیگر نهاد ها و مراجع غیر رسمی نتوان در این زمینه بهره مند شد.

کیفیت اولویت بخشی در انتخاب با وجود مؤلفه های مذکور، نوع و شیوه جرم انگاری، نحوه تنظیم قواعد دادرسی و نیز کیفیت اولویت بخشی در انتخاب پاسخ های کیفری سرکوبگر و یا ارفاقی ناظر بر جرائم علیه امنیت، به طور کلی متفاوت با تحولات اساسی حاکم بر حقوق کیفری در دهه های اخیر بوده است. بسیار بیش از آن میزان که دولت ها در قلمرو مسائل شخصی و یا اخلاقی، به جهت رعایت آزادی های افراد اجتماع، استراتژی عقب نشینی و عدم مداخله را در پیش گرفته اند، در حوزه

اعمال ضرر بار امنیتی، به خاطر ایجاد ثبات در نظم عمومی و حاکمیت سیاسی، به جرم انگاری حداکثری و توسعه طلب روی آورده اند. تشخیص و تبیین جلوه های جرم انگاری تهاجمی و روش های مورد استفاده در این راستا در قلمرو حقوق کیفری ماهوی ایران می تواند این مدعا را به اثبات نزدیک سازد.

امروزه جرم انگاری امنیت گرا، از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان حقوقی، مباحث مختلف و متعددی را پیرامون مبانی نظری و علل ظهور این نوع از جرم انگاری (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۶)، آثار جرم انگاری امنیت مدار بر حقوق کیفری و شکلی (مهدوی؛ شهرانی، ۱۳۹۳: ۱۵۹؛ آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱۶) مختصات و راهکار های تأمین جرم انگاری توسعه گرا (مقدسی، فرجیها، ۱۳۹۲: ۳۸؛ مجیدی، ۱۳۹۶: ۲۴۰) مطرح کرده اند. اما مرکز و محور این مقاله همانا معرفی تکنیک های جرم انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری از یک سو، و نیز تعیین میزان بهره مندی قانونگذار ایران از روش های ایجاد کننده این نوع جرم انگاری تهاجمی از سوی دیگر می باشد. در حقوق کیفری ایران به نظر می رسد که در راستای تحقق چنین سیاست کیفری سرکوبگرانه، به برخی تکنیک ها متمایل و از برخی راهکار ها نیز غفلت شده است. از اینروست که در زمینه سیاست های کیفری امنیت مدار، قانونگذار به سیاست ابهام سازی تقنینی در جرائم محاربه، سوء قصد به مقامات سیاسی، جاسوسی و خیانت به کشور و تبلیغ علیه نظام متمایل شده و علاوه بر این، با استفاده از راهکار جرم انگاری های جدید (به مانند بغی و افساد فی الارض) و نیز طراحی اصطلاح خاص (صدق عنوان محاربه یا در حکم آن) به سیاست های کیفری توسعه گرایانه خود ادامه داده است. در عین حال - چنان که تشریح خواهد شد - تمایلی نسبت به برخی از تکنیک های امنیت مدار به مانند بکارگیری قیود حداقلی در متون تقنینی، بهره مندی از جرم انگاری مستقل معاونت، گسترش موضوع و بزهکار جرم و جرم انگاری با اکتفا به رکن روانی عام از خود نشان نداده است. تشریح چنین

تکنیک های امنیت مدار، می تواند نگارنده را به استفاده جامع تر قانونگذار ایران از چنین سیاست های حمایتی در راستای حفاظت از نظم عمومی جامعه امیدوار سازد. سیاست کیفری امنیت مدار مرتبط با رکن روانی نیز معمولاً با استفاده از جرم انگاری اندیشه مجرمانه، جرم انگاری با اکتفا به رکن روانی عام (عدم ضرورت رکن روانی خاص و انگیزه مجرمانه) انجام می پذیرد. سیاست کیفری ایران در این زمینه از راهکار جرم انگاری اندیشه مجرمانه (تبانی) به خوبی استفاده کرده، لیکن در زمینه بکارگیری از روش های جرم انگاری جرائم با اکتفا به سوء نیت عام، چندان رغبتی را از خود نشان نداده است.

باتوجه به توضیح فوق الذکر، در این مقاله سعی شده تا ابتدا به شکل مختصر و گذرا با تبیین مفهوم جرم انگاری امنیت مدار و مبانی نظری آن پرداخته شود تا زمینه تبیین موضوع اصلی مقاله که عبارت از بررسی مختصات ارکان مجرمانه در جرم انگاری امنیت مدار فراهم شود.

۲- مفهوم و مبانی جرم انگاری امنیت مدار^۱

بررسی مفهوم و مبانی جرم انگاری امنیت مدار می تواند زمینه ورود به بحث جلوه های ظهور حقوق کیفری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران را فراهم سازد.

۲-۱- مفهوم جرم انگاری امنیت مدار (حداکثری)

حقوق کیفری به عنوان هسته مرکزی سیاست جنایی، در چند دهه اخیر با شکل گیری اشکال نوین بزهکاری و ناکارآمدی رویکرد های اصلاح و درمان و تحت تأثیر جنبش های بازگشت به کیفر، به سمت رویکرد های امنیت مدار سوق پیدا کرده است. این امر با ورود جهان به هزاره سوم و شکل گیری حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر در آمریکا و حوادث تروریستی دیگر، به صورت یک رویه متداول نمود

پیدا کرده است. جهت گیری های جدید سیاست جنایی - و به طور خاصاً تری حقوق کیفری - با محوریت قرار دادن امنیت، از طریق تصویب قوانین سخت گیرانه، کاهش تضمین های دادرسی و اعطای اختیارات فراوان به مقامات اجرایی، امنیت را در تقابل با آزادی قرار داده و جامعه را به سمت پلیسی کردن و خطر مداری سوق می دهد. بازتاب رویکرد های امنیت مدار در عصر حاضر باعث می گردد تا حقوق کیفری در چالش با قواعد حقوق بشر قرار گیرد و اسباب تعرض به آن را فراهم آورد (لازرژی، ۱۳۹۲: ۵۳).

نظام حقوق کیفری با هدف حفاظت و حمایت از ارزش های اساسی و مورد قبول جامعه با تبیین رفتار های خلاف و معارض قواعد و هنجار ها، اعمال مجرمانه و منحرفانه را تعیین و مشخص می نماید. سیاست جنایی هر جامعه می بایست برای جرم انگاری و خلاف قاعده دانستن اعمال و اقدامات افراد که تا پیش از این مباح تلقی می شدند، توجیه مناسب ارائه دهد. رسالت حقوق کیفری و اعمال و اجرای مجازات همواره در گرو جرم انگاری می باشد که اگر فرآیند جرم انگاری در چارچوب معقول و مورد قبول جامعه صورت بگیرد می توان سیاست تقنینی کیفری را در راستای جرم انگاری، موفق ارزیابی نمود و همگان به این مسأله که حمایت کیفری از ارزش های مورد قبول آنها، حمایتی شایسته و بایسته است، متفق القول می شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۵۶)؛ حال اگر عملکرد سیاست تقنینی یک جامعه تحت عنوان جرم انگاری، از حدود نرمال و متعارف خود خارج شده و دامنه مداخله و پیشروی حقوق کیفری را در قلمرو اعمال مباح افراد گسترش دهد و یا با محدود کردن منطقه آزاد رفتاری، سبب توسعه منطقه کنترل شده رفتاری شود، سخن از جرم انگاری حداکثری یا امنیت مدار پیش می آید (هوساگ، ۱۳۹۰: ۲۶). در حقوق جزا، ما با دو نوع سیاست کیفری روبرو هستیم: از سویی، سیاست کیفری عدالت محور قرار دارد و از سوی دیگر و در مقابل آن، سیاست کیفری امنیت گرا (حداکثری، امنیت مدار، توسعه طلب) قرار دارد. در سیاست کیفری عدالت محور، اصل بر محدودیت قلمرو

مسئولیت افراد و عدم مداخله در زندگی خصوصی آنان است و در سیاست کیفری امنیت گرا، که در چند دهه اخیر با مداخله روز افزون دولت ها در زندگی خصوصی افراد و گسترش مسئولیت فردی به منصفه ظهور رسیده است غایت ظاهری، حاکمیت امنیت به بهانه از بین رفتن و خدشه به حقوق بشر می باشد (توجهی؛ برنجی اردستانی، ۱۳۹۱: ۶۷). سیاست تقنینی با توجه به دیدگاه امنیت گرای، به کنترل گسترده رفتار های اجتماعی از رهگذر جرم انگاری حداکثری می پردازد (مهدوی پور؛ شهرانی کرانی، ۱۳۹۳: ۵۷).

شکل جدید حقوق کیفری با روی کار آمدن رویکرد های سرکوبگر مانند حقوق کیفری دشمن مدار^۱ و جنگ علیه تروریسم^۲ تا حدودی حقوق کیفری کلاسیک و ساز و کارهایش را به حاشیه رانده است. عبور از محدودیت های حقوق کیفری و توسل به راهکار های فراحقوقی با محوریت امنیت، موجب بروز پدیده ای به نام امنیت گرای شده است. امنیت گرای، تعبیری است که در سال های پایانی سده بیستم در زبان حقوقدانان ترویج یافته است (عالی پور؛ کارگری، ۱۳۸۹: ۱۹۳). این امر با بحران های جرم و جنایت در دهه های آخر قرن بیستم و ورود جهان به هزاره سوم و با وقوع حملات ۱۱ سپتامبر با گفتمان جنگ طلبانه و دشمن انگارانه عجین شده است. عمده گفتمان امنیت مدار پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا ایجاد گردید و این حوادث گرانیگاه تحولات حقوق کیفری در عصر حاضر گردیده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۳۷).

با وجود ظهور حقوق کیفری امنیت مدار در کشور های مختلف، باید به این نکته مهم نیز اشاره کرد که هنوز پیرامون ضرورت امنیتی کردن حقوق کیفری، نظرات متفاوتی وجود دارد. اگر وجود امنیت هرچه بیشتر برای شهروندان و جامعه، می تواند

1. Criminal law of Enemy.

2. war on Terrorism.

برای برخی قانع کننده از جهت ضرورت بکارگیری جرم انگاری امنیت مدار و دادرسی افتراقی در قبال جرائم علیه امنیت باشد اما برای برخی دیگر اقدام به این کار، شکستی برای سیاست داخلی محسوب می شود که نتوانسته به طریق عادی به ساماندهی موضوعات اجتماعی خود، بدون بالا بردن تهدیدات و تضییق آزادی ها پردازد (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۷). از اینرو ممکن است سیاست کیفری امنیت گرا در کوتاه مدت، دست آورد هایی از جهت آرامش بخشی و تأمین امنیت برای شهروندان به ارمغان آورد لیکن در درازمدت توالی فاسد خود را به نمایش خواهد گذاشت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۴۴؛ رضوانی، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

۲-۲- کاربست تکنیک های جرم انگاری امنیت مدار در ارکان

جرم

تکیه بر ظرفیت حقوق کیفری^۱ و به ویژه ارکان مجرمانه جرائم، جای استفاده از ابزار افزایش سنتی مجازات ها را در راستای مبارزه با جرائم گرفته است. تکنیک های متداول در تحقق جرم انگاری امنیت مدار در کشور های اروپایی، مدت ها متداول شده و به تحقق عقب نشینی سیاست کیفری شهروند مدار منجر شده است. در عین حال، سهم همه کشور ها در برخورداری از این تکنیک ها و ابزارها، به یک میزان نمی باشد. در حقوق کیفری ایران نیز مقنن به برخی ابزار ها در این زمینه متمایل شده و از دیگر تکنیک ها استفاده نکرده است.

۲-۲-۱- توسعه در رکن قانونی جرم

یکی از اساسی ترین اصولی که در نظام های مختلف حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته و به فلسفه وجودی وضع و تصویب قوانین جزایی، معنا می دهد اصل قانونی بودن جرائم و مجازات هاست. امروزه در راستای چنین اصلی، صحبت از «اصل کیفی بودن جرم» می شود که یکی از مهم ترین آثار آن همانا لزوم شفافیت متون قانونی می

باشد (فلچر، ۱۳۸۴: ۳۴۴). با این وجود، در راستای سیاست جرم انگاری حداکثری، برخی از راهکارهای بکار گرفته شده به منظور گسترش قلمرو دامنه جرم انگاری، به وسیله توسعه در رکن قانونی جرم محقق شده است. مواردی که بر پایه توسعه در رکن قانونی، منجر به جرم انگاری حداکثری می شوند و در این پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته اند، عبارت از ابهام سازی تقنینی، جرم انگاری های نوین، بکارگیری قیود حداقلی تقنینی، طرح اصطلاحات خاص و ارتباط آن با قلمرو جرم انگاری می باشند.

۱-۲-۲-۱- ابهام سازی تقنینی

اصل کلی در حقوق جزای امروز مبتنی بر صراحت و شفافیت قانون است، تا جایی برای تفسیر موسع از سوی مجریان قانون باقی نماند. از اینروست که استفاده از الفاظ تقنینی مبهم در متون قانونی، از روش هایی است که می تواند زمینه جرم انگاری حداکثری را فراهم سازد. در واقع می توان گفت که علاوه بر قواعد جرم انگاری، در عمل، نوع و شیوه قانونگذاری نیز زمینه ساز توسعه عناوین مجرمانه می تواند باشد. استفاده و اعمال این شیوه سبب می شود تا مجریان قانون با توجه به ابهامات تقنینی موجود، برداشت و تفسیر خود را در تطابق ماده قانونی با رفتار ارتكابی اعمال کنند. تحقق این امر، منجر به گسترش مداخله دستگاه قضائی در قلمرو آزادی و حقوق و امنیت افراد شده و بر همین اساس، شیوه مذکور را می توان خلاف اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها دانست (Pradel et Danti – Juan, 2001:p. 763).

در ادامه نمونه هایی از کاربرد این شیوه در قوانین کیفری ایران، به همراه انتقاداتی که از سوی نویسندگان حقوقی به همراه داشته است، بیان می شود.

الف: ابهام در مفهوم و شمول افساد فی الارض

یکی از عناوین بحث برانگیز در حیطه حقوق کیفری اسلام، عنوان «افساد فی الارض» می باشد. عنوانی که از یک سو، مستندات فقهی ارائه شده برای آن، در اثبات

۲۹۷ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۱ - شماره ۲۱ - پاییز و زمستان ۹۸

چنین جرمی از سوی اکثریت فقهای امامیه (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۳۱۶؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۵۷؛ محقق اردبیلی، بی تا: ۶۶۵)، کافی دانسته نشده و از سوی دیگر، کاربرد موسّع آن، سایه سنگین مصلحت را بر پذیرش این تأسیس مشکوک فقهی در حقوق کیفری ایران گسترانده است (هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۲۶). با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، عنوان مجرمانه «افساد فی الارض» به صورت مستقلّ از محاربه، مورد جرم انگاری قرار گرفت. اهمیت تغییر رویکرد قانونگذار از این جهت می باشد که تا پیش از این برخی از جرائم خاصّ مصرّح در قوانین مختلف (ماده ۶ قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۷، ماده ۲ قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹) جزو مصادیق «افساد فی الارض» به شمار می رفتند؛ لیکن با تصویب ماده ۲۸۶ در سال ۱۳۹۲، قانونگذار ماده ای کلی را وضع نموده است که نسبت به بسیاری از جرائم علیه اشخاص، علیه اموال، علیه اخلاق و امنیت جامعه، حاکم می باشد. با این که استقلال عنوان مجرمانه «افساد فی الارض» با رویکرد اکثریت فقهای امامیه - چنان که بیان خواهد شد - در تعارض است لیکن به شدّت از سوی قانونگذار ۹۲ مورد توجه قرار گرفته و از اینرو از نقاط ضعف قانونگذاری در قانون مجازات جدید محسوب می شود (برهانی، ۱۳۹۴: ۲۰).

در ماده ۲۸۶، قانونگذار هشت دسته از جرائم را به عنوان موضوع این ماده مطرح کرده است که تمام هشت عنوان مذکور، عناوین کلی و مبهم هستند. به عنوان نمونه، جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد، قتل، ضرب و جرح، اسید پاشی، سقط جنین و ... را در بر می گیرد و یا جرائم علیه امنیت شامل تمام جرائم مندرج در مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲ قانون تعزیرات مصوّب ۱۳۷۵ می شود. علاوه بر استفاده از عناوین کلی مجرمانه، قانونگذار در این ماده از واژه های ابهام زای دیگری چون «به طور گسترده»، «اخلال شدید»، «خسارت عمده» و «اشاعه فساد و فحشا در حدّ وسیع» بهره برده است.

ب: ابهام در شرایط بزه محاربه

در حقوق کیفری ایران، قلمرو جرم محاربه و مصادیق آن چندان روشن نیست. این ابهام از مبنایی ترین ماده مربوط به محاربه یعنی ماده ۲۷۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ آغاز می شود. ماده مذکور ۳ شرط اصلی و اساسی را برای تحقق محاربه بیان کرده است: ۱. لزوم وجود قصد بر هم زدن امنیت عمومی، ۲. لزوم بکارگیری سلاح، ۳. لزوم بر هم خوردن امنیت عمومی؛ بنابراین، لزوم وجود قصد بر هم زدن امنیت عمومی مرتبط با رکن روانی، از مهم ترین شرایط این جرم و نیز معیار تفکیک این جرم از سایر جرائم علیه اموال و اشخاص می باشد. بدین ترتیب در تحقق جرم محاربه، وجود قصد مذکور، ضروری است و اگر مرتکب، فاقد چنین قصدی باشد جرم مزبور محقق نخواهد شد. بنابراین در مواردی که مرتکب، اقدام به انجام اعمالی می کند که در عمل، سبب ارباب مردم و بر هم زدن نظم و امنیت عمومی و ایجاد ناامنی می شود، ولی در واقع مرتکب، فاقد چنین قصدی است، لازم است در تحقق جرم محاربه تردید شود (پوربافرانی ۱۳۹۱: ۷۵). باتوجه به ابهام تقنینی از سوی مقنن، در پذیرش قصد غیر مستقیم در تحقق جرم محاربه، اختلاف نظر حقوقی و قضایی در این زمینه رخ داده است.

به عبارت دیگر، این ابهام آمده است که آیا مطابق ماده ۲۷۹ ق.م.ا. بایستی قصد مستقیم مرتکب برای تحقق محاربه احراز شود، یا صرف قصد غیر مستقیم کفایت می کند؟ رجوع به آرای صادره از دادگاه های انقلاب نشانگر آن است که برخی از مجریان قانون با ارائه تفسیری موسع، وجود قصد غیر مستقیم در این زمینه را نیز برای تحقق محاربه کافی قلمداد می کنند (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳: ۱۹۴).

نکته قابل ذکر دیگر در مورد بزه محاربه، اختلاف نظرات موجود در زمینه بکارگیری سلاح برای تحقق بزه مذکور می باشد. در این زمینه در میان فقهای امامیه، سه دیدگاه مختلف وجود دارد: دیدگاه نخست، سلاح را در این زمینه محدود به سلاح آهنین مانند تفنگ و شمشیر و چاقو دانسته و تفاوتی بین سلاح سرد و گرم قائل

نمی شوند (اصفهان‌ئی، بی تا: ۳۳۸). دیدگاه دوم از فقها مصادیق دیگری همچون سنگ و عصا و چوب را که عرفاً سلاح محسوب نمی شوند برای تحقق محاربه کافی دانسته اند (خمینی، بی تا: ۴۶۴). در دیدگاه سوم، مفهوم موسعی از سلاح مدنظر قرار می گیرد که در آن بکارگیری زور و تهدید هم سلاح محسوب می شود (شهید ثانی، ۱۴۰۳: ۲۹۲). صرفنظر از دیدگاه های مذکور که به دلیل وجود ابهام در مفهوم سلاح در فقه و قانونگذاری مطرح شده اند، می توان بیان نمود که بایستی برای تعیین مفهوم و مصادیق سلاح به عرف مراجعه کرد. بنابراین، عرف هیچگاه بکار بردن زور و تهدید را سلاح محسوب نمی کند؛ لذا تردیدی در عدم پذیرش دیدگاه سوم وجود ندارد. به نظر می رسد که عرف مواردی چون چوب، عصا و سنگ را هم جزو مصادیق سلاح نمی داند و اگر هم در این زمینه تردیدی وجود داشته باشد، اقتضای اصول تفسیر قوانین کیفری و جرم انگاری حداقلی، سلاح ندانستن و در نتیجه، عدم تحقق محاربه در صورت استفاده از این وسایل می باشد. بنابراین، با توجه به دیدگاه های مطرح شده و ابهام موجود در مفهوم سلاح و تعیین مصادیق آن می توان دیدگاه اول را صحیح دانست که مطابق آن، فقط وسایلی سلاح تلقی می گردد که در جنگ و قتال بکار می رود، مانند انواع سلاح سرد و گرم (شمشیر، نیزه، قمه، توپ، تانک، خمپاره) (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۷۵). که این مهم در تبصره ۳ ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) مورد اشاره قرار گرفته بود ولی متأسفانه قانونگذار با حذف آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به ابهامات موجود در این زمینه افزوده است.

ج: ابهام در شمول جرائم علیه امنیت

جرائم علیه امنیت در حقوق کیفری ایران، در قسمت خاصی از قانون مجازات اسلامی به صورت منسجم مطرح نشده است. بدین صورت که بخشی از جرائم علیه امنیت در فصل هشتم و نهم از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی ذیل عناوین محاربه، افساد فی الارض و بغی مطرح شده و بخش دیگر در فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، با عنوان جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور جای

گرفته است. این تقسیم بندی در حالی است که در فصول بعدی کتاب تعزیرات نیز عناوینی چون سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی (فصل دوم و سوم) و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم (فصل شانزدهم) به عنوان عناوین مرتبط با جرائم علیه امنیت مشاهده می شود.

علیرغم مشخص نبودن شمول جرائم علیه امنیت، نکته بسیار مهم در این زمینه، ارجاع بسیاری از متون قانونی از سوی قانونگذار، پیرامون نحوه رسیدگی در دادگاه های اختصاصی (بند ت ماده ۳۰۳ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، بند الف ماده ۴۷ ق.م.ا. (عدم اعمال تعویق و تعلیق در مورد جرائم علیه امنیت)، ماده ۱۰۹ ق.م.ا. (مستثنی بودن جرائم علیه امنیت از شمول مقررات مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات)، ماده ۵ ق.م.ا. (جرائم مشمول اعمال صلاحیت واقعی) می باشد؛ از اینرو با توجه به عدم تعیین شمول جرائم علیه امنیت از سوی قانونگذار، در همه موارد فوق الذکر میان دکترین حقوقی و رویه قضایی اختلاف نظر به وجود آمده است.

بنابراین با توجه به عدم بهره مندی مرتکبین این جرائم از اقدامات و نهاد های ارفاقی، وجود صلاحیت فراملی، لزوم رسیدگی در دادگاه اختصاصی، لازم می باشد که محدوده جرائم علیه امنیت به صورت منسجم از سوی قانونگذار مطرح شود. به نظر می رسد که در این زمینه، پذیرش تقسیم بندی قانون مجازات اسلامی - به مانند سایر قوانین جزایی کشورها - بر اساس نوع جرم (جرائم علیه اشخاص، اموال و امنیت) به جای تقسیم بندی بر مبنای مجازات (حدود، قصاص، دیات و تعزیرات) می تواند هماهنگی بیشتری را ایجاد نماید. به عنوان نمونه، می توان به روش قانونگذار فرانسه در تقسیم بندی انواع جرائم اشاره کرد که به صورت صریح، کتاب چهارم از قانون جزای عمومی فرانسه را به جنایات و جنحه های علیه ملت، دولت و آسایش عمومی اختصاص داده و در کتاب ششم قانون جزایی جدید نیز به تبیین جرائم علیه ملت، دولت و آسایش عمومی از نوع خلاف از مواد ۱-۶۴۱ تا ۱۲-۶۴۵، پرداخته است.

د: ابهام در مفهوم بزه تبلیغ علیه نظام

مقنن در ماده ۵۰۰ ق.م.ا (تعزیرات)، هر گونه فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام را جرم تلقی و برای آن مجازات تعیین کرده است. جرم مذکور به دلیل دامنه موضوعی موسع و غیر مصرح در قانون و ماهیت رفتار مجرمانه، نیازمند ارائه تحلیلی دقیق است. این در حالی است که به رغم جایگاه و اهمیت ویژه جرم مذکور در میان سایر جرائم علیه امنیت، به شکل مطلوبی به تبیین موضوع پرداخته نشده و نکات ابهام آمیزی از این حیث قابل طرح است. در زمینه موضوع جرم، در بزه تبلیغ علیه نظام با توجه به ابهامات موجود در ماده فوق الذکر، اختلاف نظر وجود دارد. به اعتقاد برخی، موضوع جرم در بزه تبلیغ علیه نظام، «کلیت نظام جمهوری اسلامی» می باشد و اشخاص را به اعتبار تفوق اداری یا تشخیص معنوی آنها در بر نمی گیرد. به طور کلی، دلایل این نظر نخست آن است که واژه نظام، ناظر بر ارکان ساختاری نظام به طور کلی است و لذا از رکن نهاد یا شخص خاصی انصراف دارد. دوم این که مقتضای اصل تفسیر مضیق قانون به نفع متهم، عدم تسری مسائل دیگر در گستره موضوعی جرم می باشد. سوم آن که مقنن به طور صریح و مستقل، تکلیف قانونی سایر موضوعات را بیان کرده است. به عنوان نمونه، تبلیغ یا فعالیت تبلیغی علیه مقدسات اسلام، رهبری و دیگر مقامات که گاه در اثر توهین، افتراء و دیگر جرائم گفتاری مشابه ارتکاب می یابد، در مواد خاصی از قانون مجازات اسلامی مطرح شده است (حبیب زاده؛ موسوی مجاب، ۱۳۸۵: ۱۲۴). در مقابل، برخی از حقوقدانان علاوه بر فعالیت تبلیغی علیه نظام، فعالیت تبلیغی علیه شخص را اگر شخصیتی باشد که تبلیغ علیه او، تبلیغ علیه نظام تلقی شود و یا موجب کسر حیثیت و اعتبار نظام و سبب تزلزل مبانی حکومت گردد را مشمول ماده ۵۰۰ ق.م.ا. می دانند (همان: ۱۳۲). برخی دیگر از حقوقدانان نیز تحقق «فعالیت تبلیغی» را مشروط به تحقق دو قید «گسترده‌گی» و «تکرار» دانسته اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۵۶)؛ در هر حال ماده فوق الذکر - علیرغم کاربرد فراوان در عمل - کلی و مبهم

بوده و هر گونه تلاشی از جمله برگزاری تظاهرات، راه انداختن ایستگاه های رادیویی، چاپ و پخش نشریه و اعلامیه و ... که در قالب فعالیت تبلیغی قرار بگیرد را می تواند شامل شود که این امر، توسعه دامنه جرم مذکور را به دنبال دارد.

۲-۲-۱-۲- جرم انگاری های نوین

از جمله راهکار هایی که می توان با توسل به آن دامنه جرم انگاری را توسعه داد، اقدام به وضع جرم انگاری های جدیدی است که ضرورت وجود آن از سوی قانونگذار احساس می شود. جرم انگاری در برخی از فرهنگ های حقوقی به معنای اعلان مجرمانه بودن عملی است که تا پیش از این، وصف مجرمانه نداشته است (cornu, 1990:417). از طرف دیگر، از دیدگاه جرم شناختی، جرم انگاری یا جرم تلقی کردن قانونی فعل و یا ترک فعل، فرایندی است که به وسیله آن رفتار های جدید، به موجب قوانین کیفری مشمول قانون جزا می شوند (نجفی ایرندآبادی؛ هاشم بیگی، ۱۳۹۴: ۷۶). در حقوق کیفری ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، قانونگذار به وضع جرائم جدیدی در حوزه جرائم علیه امنیت اقدام کرده است. اهتمام مقنن ایرانی به حفظ حقوق حاکمیت، ثبات سیاسی و امنیت عمومی، سبب شده تا دو عنوان مجرمانه «بغی» و «افساد فی الارض» در قانون مجازات اسلامی جدید، مورد جرم انگاری مجزا واقع شوند.

الف: جرم انگاری بغی

بغی، از جمله جرائمی است که با هدف حفظ امنیت سیاسی و حاکمیت نظام اسلامی، مورد جرم انگاری قرار گرفته است؛ چراکه برای حفظ ثبات و پایداری سیاسی یک جامعه اسلامی، حاکمیت اسلامی باید دارای حریم مشخص باشد تا کسی حق تعرض به آن را نداشته باشد؛ از اینرو مقنن با این هدف در مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲، قیام مسلحانه علیه اساس نظام جمهوری اسلامی را تحت عنوان «بغی» جرم انگاری کرده است (رحیمی نژاد؛ صفرخانی، ۱۳۹۲: ۱۰۶). در قانون مجازات اسلامی

۱۳۷۰، تعریفی از جرم بغی ارائه نشده بود. در ماده ۱۸۶ قانون مذکور، جرم بغی تحت عنوان محاربه جرم انگاری و برای آن مجازات های محارب مقرر شده بود. لکن با توجه به این موضوع که احکام مقرر برای باغی و نیز ماهیت آن، بسیار متفاوت از بزه محاربه بوده و سیاست های کیفری اسلام ناظر بر جرائم خطرآفرین علیه امنیت عمومی با جرائم علیه حاکمیت سیاسی، بسیار متفاوت تعیین شده است (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۳: ۶۳). قانونگذار در ماده ۲۸۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲، «بغی» را به صورت مستقل جرم انگاری کرد. با این وجود، تعیین کیفر اعدام برای باغیان، چندان همسو با آموزه های اسلامی از سوی بسیاری از نویسندگان شناخته نشد (آقابابایی، ۱۳۹۵: ۳۳؛ برهانی، ۱۳۹۴: ۲۵؛ مجیدی، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

ب: جرم انگاری افساد فی الارض

دو عنوان محاربه و افساد فی الارض، از عناوین مجرمانه فقهی هستند که در دوران پس از انقلاب، همواره محلّ مباحث مختلف فقهی و حقوقی قرار داشته اند. یکی از مهم ترین این مباحث، استقلال یا عدم استقلال عناوین جزایی افساد فی الارض از محاربه بوده است. در این زمینه، سه دیدگاه مهم و محوری از سوی فقهای امامیه ابراز شده است: نظریه نخست که متعلّق به اکثریت قاطع فقهای امامیه می باشد، بر این اعتقاد است که عنوان مجرمانه افساد فی الارض به شکل مستقلّ از محاربه وجود ندارد و در راستای اثبات نظریه خود، دلایل مختلفی ذکر نموده اند (نجفی، ۱۳۶۷: ۵۷؛ محقق اردبیلی، بی تا: ۶۶۵). رویکردی که تجویز اجرای مجازات های چهارگانه حدّ محاربه را بر غیر محاربین مردود می شمارد. علاوه بر این، دو نظریه غیر مشهور فقهی در این زمینه وجود دارد که هر دو متعلّق به اعضای محترم شورای نگهبان می باشد. اولین نظریه غیر مشهور (دیدگاه دوم) بر این اعتقاد است که عنوان مجرمانه افساد فی الارض کاملاً مستقلّ از عنوان محاربه بوده و از اینرو جهت تحقّق عنوان افساد فی الارض نیازی به شرایط مرتبط با محاربه وجود ندارد (مؤمن، ۱۳۸۲: ۵۵). دومین نظریه غیر مشهور نیز اعتقاد دارد که عنوان مجرمانه افساد فی الارض می تواند

محقق شود لیکن به صورت محدود، و بر این اعتقاد است که افساد فی الارض اگرچه محدود به محاربه نیست، اما به وسعتی که دیگران مطرح کرده اند نیز نخواهد بود؛ بلکه علاوه بر محاربه، شامل هر گونه فساد ی است که در قالب ظلم و تجاوز به جان و مال و آسایش دیگران صورت گیرد (شاهرودی، ۱۳۷۷: ۱۹۱). علاوه بر این، پیرامون امکان اجرای کیفر های محاربه و افساد فی الارض بر معاونین آنها و نیز حدی بودن کیفر افساد فی الارض همواره تردید هایی وجود داشته است (هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۲۵). از اینرو قانونگذار در قوانین بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲، معمولاً عناوین محاربه و افساد فی الارض را با یکدیگر استفاده می کرد و در مواردی هم که افساد فی الارض را به صورت جداگانه استعمال می نمود درصدد بود تا همان حکم محاربه را در مورد آن جاری سازد (میرمحمد صادقی؛ رحمتی، ۱۳۹۴: ۱۷). چنان که بیان شد اکثریت فقهای امامیه، با تکیه بر آیه ۳۳ سوره مائده، محاربه و افساد فی الارض را دو تأسیس جداگانه و مستقل از یکدیگر قلمداد نمی نمایند؛ با این وجود، قانونگذار در ق.م.ا. ۹۲ به جرم انگاری مستقل افساد فی الارض از محاربه اقدام کرد و برای مرتکبین افساد فی الارض و نیز معاونین آنها، مجازات اعدام در نظر گرفت. اقدامی که بسیاری از نویسندگان حقوقی را وادار به نگارش مقالاتی در راستای نقد رویکرد قانونگذار کرد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۷: ۱۲۴؛ برهانی، ۱۳۹۴: ۲۰). در هر صورت، بررسی عناوین محاربه و افساد فی الارض در تحولات تقنینی پس از انقلاب، گویای این مسأله می باشد که عناوین مذکور، به تدریج دچار بسط مفهومی و حداکثری شده است. توجه ظاهری به متن ماده ۲۸۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ نیز دامنه گسترده آن را نشان می دهد و می توان بسیاری از مجرمان را تحت شمول آن قرار داد و در نتیجه، به مجازات اعدام محکوم کرد. به ویژه آن که واژه های گسترده، شدید، عمده و وسیع بکار رفته در ماده فوق الذکر، تعریف روشن و دقیقی ندارند و ممکن است هر قاضی تفسیر خاص خود را از آنها ارائه دهد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۶۳).

۲-۲-۲- توابعه در رکن مادی جرم

در راستای تحقّق جرم انگاری حداکثری، برخی از راهکارها که مقنّن به وسیله آنها سعی در توسعه و گسترش دامنه شمول جرائم دارد، مرتبط با رکن مادی جرم است. در واقع، مقنّن با بهره گیری از ظرفیت موجود در رکن مادی جرم، با اتخاذ راهکارهایی چون گسترش در موضوع جرم، گسترش در بزه دیده و بزهکار جرم، جرم انگاری جرائم به صورت مطلق، جرم انگاری اعمال مقدماتی و جرم انگاری معاونت در جرم به صورت مستقل، به دنبال تحقّق سیاست جنایی امنیت محور می باشد.

۱-۲-۲-۲- توسعه موضوع جرم

در این راهکار، تلاش مقنّن بر آن است تا با تغییر موضوع جرم، دامنه شمول جرائم را تا حدود بسیاری افزایش دهد. بررسی عملکرد قانونگذاران ایران و فرانسه در زمینه تعیین موضوع جاسوسی به روشنی می تواند این روش را نمایان سازد. قانونگذار فرانسه در ماده ۷ - ۴۱۱ قانون مجازات عمومی، موضوع بزه جاسوسی و خیانت به کشور را علاوه بر اطلاعات و اسناد، شامل «اشیاء» به معنای «اموال مادی قابل لمس» نیز دانست. بر همین مبنا برخی نویسندگان بر اساس استفاده قانونگذار فرانسه از اصطلاح اشیاء، «جمع آوری مواد منفجره یا اسلحه، به قصد تسلیم به دشمن» را مصداقی از بزه جاسوسی دانسته اند (Pelletier et Perffetti, 2003:p. 552).

سیاست کیفری ایران عکس این موضوع را مورد پذیرش قرار داده است. در مواد ۵۰۱ و ۵۰۵ ق.م.ا. (تعزیرات)، موضوع جرم جاسوسی از سوی قانونگذار محدود به اسرار و اطلاعات طبقه بندی شده و از اینرو جمع آوری و انتقال اشیاء موجود در اماکن ممنوعه، مشمول مقررات جاسوسی نمی گردد (ساریخانی، ۱۳۷۸: ۲۲۴).

۲-۲-۲-۲- توسعه در بزه دیده جرم

در معنای متعارف و سنتی، مفهوم بزه دیده همواره انسان ها را در بر می گرفته است لیکن پس از گذشت زمان، ظهور مکاتب کیفری جدید جرمشناختی و البته بروز

جرائم وحشت آفرین تروریستی، دامنه شمول بزه دیده کاملاً گسترش و توسعه یافت. در یکی از موارد توسعه یافته، سعی بر آن شد تا علاوه بر انسان، موارد دیگری چون طبیعت، جانوران، درختان، گیاهان و ... در دامنه شمول بزه دیده قرار گیرند. در واقع، در دیدگاه های نوین بزه دیده شناسی که همواره رویکردی انسان مدارانه داشته اند، انسان ها، به عنوان بزه دیده معرفی شده، لیکن امروزه سخن درباره بزه دیدگانی غیر از انسان است که تا چند دهه پیش مورد غفلت علوم بزه دیده شناسی و جرم شناسی قرار داشته اند (دانش ناری؛ مرادفر، ۱۳۹۴: ۷۰). در زمینه راهکار «گسترش بزه دیده جرم»، می توان به موضوع «بزه دیدگان سبز» اشاره کرد که می تواند شامل مواردی چون جانوران، درختان، گیاهان، هوا، آب، خاک و زمین باشد. در واقع، بزه دیده شناسی سبز که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶ توسط کریستوفر ویلیمز مطرح شد، به دنبال گسترش محدود حقوق کیفری در شناسایی بزه دیدگان می بود (شاملو؛ احمدی؛ خسروشاهی، ۱۳۹۶: ۳۷). راهکار گسترش در بزه دیده جرم به ویژه ضرورت شناسایی بزه دیدگان سبز، علاوه بر آن که در اسناد و قوانین بین المللی مورد تأکید قرار گرفته است، بسیاری از کشورها نظیر فرانسه را بر آن داشته تا به وضع قوانینی در این راستا بپردازد. بر این مبنا، قانونگذار فرانسه در راستای ادامه سیاست حمایتی خود از منافع اساسی ملت فرانسه (ماده ۱ - ۴۱۰)، تروریسم زیست محیطی را نیز در سال ۱۹۹۴ جرم انگاری کرده است (larguier et Cont, 2008:p. 315).

در حقوق کیفری ایران، عنوان عامّ و کلیّ مشابه قانون فرانسه تحت عنوان تروریسم زیست محیطی پیش بینی نشده لکن در زمینه های مرتبط با حمایت از بزه دیدگان سبز اعمّ از جانوران، درختان، آب و ... قوانین مختلفی وجود دارد. به عنوان مثال، می توان به مواد ۶۷۹، ۶۷۵، ۶۸۴، ۶۹۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵؛ قوانینی چون قانون شکار و صید ۱۳۴۶ و اصلاحیه های بعدی آن، قانون قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع ۱۳۴۶، قانون حفظ

۳۰۷ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۱ - شماره ۲۱ - پاییز و زمستان ۹۸
منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور ۱۳۷۱، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا
۱۳۷۴، قانون آب و نحوه ملی شدن آن ۱۳۴۷، قانون اراضی مستحدث و ساحلی ۱۳۵۴
و ... اشاره نمود. با این وجود، چالش های فراوانی در این زمینه وجود دارد که لازم
است قانونگذار با مراجعه به ایرادات و نارسایی های تبیین شده در این زمینه توسط
دکترین حقوقی (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۲۲۲؛ شاملو، احمدی، ۱۳۹۶: ۳۹) به رفع
آنها اقدام نماید.

۳-۲-۲-۲- توسعه بزهاکار جرم

در راستای جرم انگاری حداکثری، یکی دیگر از راهکار هایی که در زمینه رکن
مادی جرم می توان مطرح نمود، راهکار گسترش در بزهاکار جرم می باشد. در واقع،
با بکارگیری این راهکار می توان دایره شمولی افرادی را که می توانند به عنوان
بزهاکار جرم قرار گیرند، وسیع تر نمود.

در رابطه با استفاده از راهکار مذکور در حقوق کیفری ایران می توان به پذیرش
مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ق.م.ا. ۱۳۹۲ اشاره نمود که بعد از مناقشات
فراوانی که وجود داشت، سرانجام قانونگذار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به
عنوان یک اصل و قاعده در مواد ۲۲، ۲۱، ۲۰ و ۱۴۳ قانون مذکور پیش بینی نمود.

۴-۲-۲-۲- جرم انگاری جرائم به صورت مطلق

بر اساس یکی از قواعد حقوق کیفری عمومی، جرائم از لحاظ لزوم یا عدم لزوم
حصول نتیجه مجرمانه به دو دسته: جرائم مطلق و مقید تقسیم می شوند. جرائم مقید،
جرائمی هستند که تحقق آنها منوط به نتیجه مجرمانه خاصی است و در مقابل آن،
جرائم مطلق، جرائمی را شامل می شود که نتیجه خاصی در تحقق آن شرط نمی باشد.
جرائم مقید، اغلب جزو جرائم زیان بار محسوب می شوند و به دلیل همین ویژگی،
زیان زننده و ضرری که از وقوع آن پدید می آید، جرم و قابل مجازات هستند
(Desportes et Le Gunehec, 2008:p. 366).

امروزه قانونگذاران در تدوین قوانین کیفری، از دسته بندی مذکور جهت توسعه یا کاهش دامنه شمول جرائم بهره می گیرند. جرائمی که برای مقنن اهمیت زیادی داشته، در زمره جرائم مطلق قرار گرفته و جرائم دارای اهمیت کم تر، مقید به تحقق نتیجه مجرمانه از سوی قانونگذار خواهند شد. بر همین مناسبت که فرایند جرم انگاری در اغلب جرائم علیه اشخاص و اموال به صورت مقید، و در جرائم علیه امنیت، به صورت مطلق صورت می گیرد. در زمینه جرائم علیه امنیت نیز مقنن جزایی به خوبی دریافته است که در این حوزه، نباید نتیجه مجرمانه خاصی را مدنظر داشت، زیرا در صورت حصول نتیجه، دیگر امنیتی باقی نخواهد ماند تا در سایه آن مقررات جزایی به مرحله اجرا در آیند؛ بدین جهت، صرف تحقق رفتار فیزیکی از سوی مرتکب جرم، برای اعمال ضمانات اجرای کیفری کفایت می کند (عالی پور، کارگری، ۱۳۸۹: ۵۲).

در این زمینه می توان به ماده ۵۰۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ با عنوان تبلیغ علیه نظام اشاره نمود که صرف تبلیغ علیه نظام با تحقق شرایط آن، برای محقق شدن جرم مذکور کافی بوده، و نیاز به تحقق نتیجه خاصی نمی باشد. همچنین می توان به موضوع مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مذکور (تشکیل یا اداره دستجات غیر قانونی یا عضویت در آنها)؛ ماده ۵۰۳ (ورود به مواضع امنیتی)؛ ماده ۲۸۷ (بغی) و بسیاری از موارد دیگر اشاره نمود که قانونگذار برای تحقق این جرائم، نتیجه مجرمانه خاصی را در نظر نگرفته است. بر این اساس، اقدام قانونگذار در تصریح بر مقید بودن جرم محاربه در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. بر خلاف چنین سیاستی تحلیل می شود. این اقدام قانونگذار در حالتی صورت پذیرفت که رجوع به نظرات فقهی فقهای امامیه نشانگر آن است که بزه محاربه از سوی آنها مطلق بوده (نجفی، ۱۹۸۱: ۵۶۴؛ خوئی، ۱۳۹۶: ۳۱۸) و صرف ابراز عملی از سوی مرتکب جرم که بتواند نوعاً و غالباً رعب و وحشت ایجاد کند، کافی خواهد بود.

از دیرباز، معاونت در جرم بر مبنای رویکرد «عاریه ای» یا «استقلالی» مورد پذیرش نظام های حقوقی قرار گرفته است. اکثریت کشورها، جرم انگاری عمل معاون را بر مبنای رویکرد عاریه ای مورد پذیرش قرار داده اند که دو نتیجه را از نظر حقوقی برای حقوق کیفری آن کشورها به همراه داشته است. نخست آن که، تا زمانی که عمل مباشر شروع نشده، عمل معاون، قابل مجازات نمی باشد و دیگر آن که، عمل معاون زمانی قابل مجازات است که عمل مباشر، دارای وصف مجرمانه باشد. در واقع، بر مبنای دیدگاه عاریه ای، عمل معاون وصف مجرمانه را به صورت کامل از مباشر جرم عاریه گرفته و به تنهایی قابل مجازات نمی باشد. از آنجا که وجود چنین نتیجه ای برای کشورها نسبت به برخی از جرایم مهم، قابل تحمل نبوده است، قانونگذاران را بر آن داشته تا در مواردی جرم انگاری معاونت در جرم را به شکل مستقل و صرف نظر از عمل مباشر قابل مجازات بدانند. در واقع، در این روش بدون آن که قانونگذار رویکرد کلی خود را نسبت به پذیرش رویکرد عاریه ای تغییر دهد، در جرایم مهم، تمایل به پذیرش نظریه استقلال از خود نشان می دهد. چنین رویکردی که در جرم انگاری جرایم علیه اشخاص و اموال کشور های مختلف به صورت استثنایی مورد توجه قرار گرفته، امروزه در جرم انگاری جرایم علیه امنیت برخی کشور های اروپایی به شکل یک رویه معمول و غالب در آمده است.

در حقوق کیفری ایران کمتر قانونگذار از این روش استفاده نموده و تنها در موارد اندکی نظیر ماده ۵۱۲ (تحریک به جنگ و قتال) و یا ماده ۵۰۴ (تحریک نیرو های رزمنده) چنین رویکردی قابل مشاهده می باشد. در برخی موارد نیز که اشاره نموده (همچون تحریک به سقط جنین در ماده ۶۲۳)، به دلیل عدم بکارگیری صحیح این روش - که بر ضرورت تحقق نتیجه مجرمانه (سقط جنین) نیز در ماده مربوطه اشاره کرده - قابل انتقاد می باشد. بدیهی است که در صورت تحقق نتیجه و در صورت فقدان ماده مزبور نیز، عمل مرتکب از جهت معاونت در سقط جنین، قابل مجازات محسوب شده و نیازی به تدوین ماده ۶۲۳ نمی بود.

۳-۲-۲- تحلیل رکن معنوی جرم

در ارتکاب جرائم، رکن روانی اهمیت ویژه ای را به خود اختصاص داده و اغلب، تأثیری عمده در محکومیت احتمالی متهم دارد. رکن روانی در قالب اجزایی چون سوء نیت خاص، سوء نیت عام و انگیزه مورد تحلیل قرار می گیرد. آن چه که در باب تحقق جرم انگاری امنیت مدار دارای اهمیت بوده و مقنن را بر آن داشته که از ظرفیت موجود در رکن روانی جرم، در راستای توسعه دامنه وقوعی جرائم بهره گیرد، توجه به این نکته مهم می باشد که به میزانی که جرم انگاری تمایل به گسترش و توسعه پذیری دارد، به همان میزان، سهم خود را از اجزای رکن روانی کاهش می دهد (مجیدی، ۱۳۹۳: ۲۷۳). بنابراین، مواردی چون جرم انگاری با اکتفاء به سوء نیت عام، و جرم انگاری قصد مجرمانه در ذیل این مبحث قرار می گیرند.

۱-۳-۲-۲- جرم انگاری اندیشه مجرمانه

از دیرباز حقوقدانان مراحل ارتکاب جرم را شامل سه مرحله اصلی دانسته اند: «مرحله نفسانی» یا روانی که طی آن، فکر ارتکاب جرم به ذهن مرتکب خطور نموده و وی تصمیم خود را برای ارتکاب جرم قطعی می سازد؛ «مرحله مقدماتی» که در جریان آن، مرتکب اقدام به تهیه وسایل، لوازم و ایجاد زمینه سازی برای ارتکاب جرمی که تصمیم به ارتکاب آن گرفته، خواهد کرد؛ و «مرحله اجرایی»، که مرتکب به اجرای جرم موردنظر خود می پردازد. میزان پیشرفت مرتکب در مرحله پایانی جرائم، می تواند معیار تفکیکی برای شروع به جرم و یا اتمام آن باشد.

وجود دلایلی سبب شده است تا قانونگذاران، مرحله نخستین جرائم را قابل مجازات اعلام ننمایند. پرهیز از ورود به آزادی های فردی، صعوبت اثبات قصد مرتکب، عدم ایجاد خطر این مرحله از جرائم برای اجتماع و نیز اعمال سیاست جنایی تقنینی سنجیده در جهت تشویق مرتکبینی که قصد عدول از عزم جنایی اولیه خود را دارند، در زمره دلایل یاد شده می باشند. بخشی از این دلایل، تمایل قانونگذاران به جرم انگاری مرحله مقدماتی و شروع به اجرای برخی از جرائم را نیز از بین برده است.

از اینروست که جرم انگاری توافق مجرمانه در کشورهایی که تحقق آن را منوط به تحقق اعمال مادی خاصی نکرده اند، به عنوان استثنائی بر اصل عدم مجازات قصد مجرمانه پذیرفته شده است (عالیه، ۱۹۹۹: ۶۱؛ ریاض الخانی، ۱۹۸۶: ۶۱).

بنابر اصول کلی حقوق جزا، اصل بر این است که اندیشه و قصد مجرمانه صرف، قابل مجازات نبوده و قانون باید قبل از هر گونه مداخله ای کیفری، وجود یک نمود عینی و خارجی از چنین اندیشه و قصدی را احراز نماید (Desportes (et Le Gunehec, 2008:p. 366. لکن در مواردی که تصمیم مجرمانه بین دو یا چند نفر مشترک است و تبعات و مفسد زیناباری برای نظم و امنیت جامعه علی الخصوص حقوق حاکمیت به همراه داشته باشد، صرف همین تصمیم می تواند در قلمرو مداخله حقوق کیفری قرار گیرد. بارز ترین مثال در این زمینه در حقوق کیفری ایران، تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور موضوع ماده ۶۱۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ می باشد.

برخی علت عمده جرم انگاری این مرحله را در خطری دانسته اند که قصد و تصمیم مجرمانه دسته جمعی به دنبال دارد. از اینرو تصریح نموده اند که هرگاه توافق دسته جمعی برای ارتکاب جرائم شدید، سنگین و متعدد وجود داشته باشد، خطر به وجود آمده از آسیب های جزئی برخی از اعمال مجرمانه ای که مرحله اجرای آن هم به پایان رسیده، بیشتر خواهد بود (Leclerc, 1994:p. 228 و کلارکسون، ۱۳۹۰: ۳۹).

۲-۳-۲- جرم انگاری با اکتفاء به سوء نیت عام

روش دیگر مرتبط با رکن روانی در راستای سیاست جرم انگاری امنیت مدار، آن است که تنها به لزوم تحقق سوء نیت عام در جرم انگاری جرم مربوطه اکتفاء شود تا بدین طریق، دامنه شمولی جرائم گسترش یابد. به عنوان مثال، در زمینه بزه جاسوسی و خیانت به کشور، در حقوق فرانسه در اکثر موارد جرم انگاری ها، با اکتفا به رکن روانی عام صورت گرفته، لیکن در حقوق کیفری ایران کاملاً سیاستی متفاوت در این زمینه

حاکم می باشد. از اینرو در ارتباط با جرم جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده (موضوع ماده ۵۰۵ ق.م.ا.) علاوه بر سوء نیت عام، وجود سوء نیت خاص (قصد بر هم زدن امنیت عمومی) نیز ضروری دانسته شده است. درباره انتقال اطلاعات به افراد فاقد صلاحیت (موضوع ماده ۵۰۱ ق.م.ا.) نیز علاوه بر ضرورت اقدام عمدی مرتکب در جهت انتقال و تسلیم اطلاعات (سوء نیت عام)، قصد جاسوسی (سوء نیت خاص) نیز ضروری می باشد. علاوه بر این، قانونگذار در ارتباط با جرم ورود غیر مجاز به اماکن نظامی و امنیتی نیز وجود سوء نیت خاص - قصد سرقت و یا تحصیل اطلاعات - را لازم شمرده است. به همین دلیل است که ورود مرتکب به قصد کنجکاوی، بدون تردید، خارج از موارد جرم یاد شده خواهد بود. رویکردی که در برخی از کشور های دیگر به دلیل اهمیت جرائم امنیت، مشمول جرم انگاری قرار گرفته اند (Mayaud, 2016: p.1305).

نتیجه گیری

سیاست کیفری کشور ها امروزه در راستای تحقق سیاست کیفری امنیت مدار، به جای استفاده از راهکار سنتی افزایش مجازات، با تکیه بر ظرفیت درونی حقوق کیفری و نیز با بکارگیری برخی از روش ها و تکنیک های مورد مطالعه حقوق کیفری، محقق می شود. در حقوق کیفری ایران نیز در راستای تحقق چنین سیاست کیفری سرکوبگرانه ای در جرم انگاری جرائم علیه امنیت، از برخی از این راهکار ها استفاده شده است. از اینروست که در زمینه سیاست های کیفری امنیت مدار مرتبط با رکن قانونی، قانونگذار به سیاست ابهام سازی تقنینی در جرائم محاربه، سوء قصد به مقامات سیاسی، جاسوسی و خیانت به کشور و تبلیغ علیه نظام متمایل شده و موقعیت اصل مهم قانونمندی جرائم (لزوم صراحت و شفافیت متون قانونی) را به خطر انداخته است. علاوه بر این، با استفاده از راهکار جرم انگاری های جدید (به مانند بغی و افساد فی الارض) و نیز طراحای اصطلاح خاص (صدق عنوان محاربه یا در حکم آن) به سیاست

های کیفری توسعه گرایانه خود ادامه داده است. البته چنان که در اصل مقاله به آن اشاره شد، قانونگذار ایران بر خلاف برخی از کشور های دیگر، کمتر متمایل بوده است از برخی دیگر از راهکار ها نظیر بکارگیری قیود حداقلی در جرم انگاری، بهره مندی از جرم انگاری مستقلّ معاونت و نیز گسترش موضوع و بزهکار جرم، استفاده نماید.

سیاست کیفری امنیّت مدار مرتبط با رکن روانی نیز معمولاً با استفاده از جرم انگاری اندیشه مجرمانه، جرم انگاری با اکتفا به رکن روانی عامّ (عدم ضرورت رکن روانی خاصّ و انگیزه مجرمانه) انجام می پذیرد. سیاست کیفری ایران در این زمینه از راهکار جرم انگاری اندیشه مجرمانه (تبانی) به خوبی استفاده کرده، لیکن در زمینه بکارگیری از روش های جرم انگاری جرائم با اکتفا به سوء نیّت عامّ، چندان رغبتی را از خود نشان نداده است. نمونه بارز این موضوع، جرم انگاری جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده (موضوع ماده ۵۰۵ ق.م.ا.) در حقوق ایران است که قانونگذار در سیاستی قابل انتقاد، تحقّق این جرم مهم را به تحقّق قصد مجرمانه خاصّ (بر هم زدن امنیّت عمومی) و نیز انگیزه مجرمانه (انگیزه تسلیم به دیگری) موکول کرده است.

منابع

- آخوند زاده آرانی، محدثه (۱۳۹۵)، «جایگاه جرم انگاری امنیّت مدار ناظر بر بزه جاسوسی در حقوق کیفری ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا، دانشگاه دامغان.
- آقابابایی، حسین (۱۳۹۵)، **دکترین مقابله با بغی در اسلام و نحوه انعکاس آن در قانون مجازات ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۵، ۹-۳۶.
- آقابابایی، حسین (۱۳۸۹)، **قلمرو امنیّت در حقوق کیفری**، قم: سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- برهانی، محسن (۱۳۹۴)، **افساد فی الارض؛ ابهام مفهومی، مفسد علمی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)**، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناختی، ۲، ۱۹-۴۴.

- پوربافرانی، حسن، (۱۳۹۱)، «تحلیل جرم محاربه، فقه و حقوق اسلامی»، ۴، ۴۹-۷۸.
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۹۲)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چ ۹، تهران: میزان.
- توجهی، عبدالعلی؛ برنجی اردستانی، مرجان (۱۳۹۱)، بررسی جایگاه امنیت گرای در سیاست کیفری ایران و آمریکا، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲، ۶۷-۹۱.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۰۳ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۸۶)، نظریه های کیفری و رویکرد امنیتی ج.ا.ایران در جرائم سبک (با تأکید بر نظریه های تسامح صفر و پنجره های شکسته، فصلنامه امنیت، ۳، ۷۱-۹۱.
- حبیب زاده، محمدجعفر؛ موسوی مجاب، سید درید (۱۳۸۵)، تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، فقه و حقوق اسلامی، ۹، ۱۲۳-۱۴۰.
- حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۷۰)، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، تهران: مؤسسه کیهان.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۶۶)، تحریر الوسیله، ج ۲، قم: دارالعلم.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶ق)، مبانی تکمله المنهاج، ج ۱، قم: مطبعه العلمیه.
- دانش ناری، حمیدرضا؛ مرادفر، علی (۱۳۹۴)، جرم شناسی جهان بوم: رهیافتی نوین در مطالعات جرم شناسی بین المللی، مطالعات بین المللی پلیس، ۲۱، ۵۱-۷۴.
- ریاض الخانی، محمد (۱۹۸۶م)، شرح قانون العقوبات القسم الخاص، دمشق: مطبعه الامکان.
- رحیمی نژاد، اسماعیل؛ صفرخانی، محدثه (۱۳۹۲)، بررسی جرم بغی در فقه امامیه و حقوق ایران، حقوق اسلامی، ۴۰، ۱۲۵-۱۳۳.
- رضوانی، سودابه (۱۳۹۱)، مدیریت انسان مدار ریسک جرم، تهران: میزان.
- زراعت، عباس (۱۳۷۷)، شرح قانون مجازات اسلامی، ج ۱، تهران: فیض.
- سپهوند، امیر (۷۶-۱۳۷۵)، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی ۳، تدوین مجید ادیب، دوره لیسانس، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ساریخانی، عادل (۱۳۷۸)، جاسوسی و خیانت به کشور، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شاملو، باقر؛ محتشمی، ندا (۱۳۹۱)، مطالعه تطبیقی دو نظریه تعامل گرای و پنجره های شکسته و آثار آنها بر سیاست جنایی، پژوهش حقوق کیفری، ۲، ۱۲۳-۱۵۸.

۳۱۵ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۱ - شماره ۲۱ - پاییز و زمستان ۹۸

- شاملو، باقر؛ احمدی، اصغر؛ خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۹۶)، **بزه دیده شناسی سبز: با تاکید بر سیاست کیفری ایران**، پژوهش حقوق کیفری، ۲۰، ۳۷-۶۷.

- عالی پور، حسن؛ کارگری، نوروز (۱۳۸۹)، **جرائم ضد امنیت ملی**، تهران: خرسندی.

- عالی، سمیر (۱۹۹۹)، **الوجیز فی شرح الجرایم الواقعه علی أمن الدوله**، بیروت: مؤسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع.

- فلچر، جورج پی (۱۳۸۴)، **مفاهیم حقوق بنیادی حقوق کیفری**، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

- قناد، فاطمه؛ اکبری، مسعود (۱۳۹۶)، **امنیت گرای سیاست جنایی**، پژوهش حقوق کیفری، ۱۸، ۳۹-۶۷.

- کلارکسون، سی.ام.وی (۱۳۷۱)، **تحلیل مبانی حقوق جزا**، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- لازرژ، کریستین (۱۳۹۲)، **درآمدی به سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ ۴، تهران: میزان.

- مجیدی، سید محمود (۱۳۹۳)، **جرائم علیه امنیت**، چ ۲، تهران: میزان.

- مقدسی، محمدباقر؛ فرجیها، محمد (۱۳۹۲)، **ویژگی های سیاست های کیفری عوام گرا**، حقوق تطبیقی، ۲، ۱۳۷-۱۵۵.

- مهدوی پور، اعظم؛ شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۳)، **امنیتی شدن جرم‌شناسی؛ راهبرد ها و آثار آن بر حقوق کیفری**، پژوهش نامه حقوق کیفری، ۱، ۱۵۹-۱۸۸.

- موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۲ق)، **الدر المنضود فی احکام الحدود**، چ ۳، قم: دار القرآن الکریم.

- میرمحمدصادقی، حسین؛ رحمتی، علی (۱۳۹۴)، **مصادیق عدول از اصول کلی حقوق کیفری در جرائم علیه امنیت**، فصلنامه راهبرد، ۷۶، ۵-۳۲.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۴)، **جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی**، چ ۲۸، تهران: میزان.

- مؤمن قمی، محمد (۱۳۸۲)، **کاوشی در مجازات محارب و مفسد فی الارض**، فقه اهل البیت، ۳۵، ۳-۶۲.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۳)، **دانشنامه جرم شناسی**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۷)، *جرم شناسی*، تقریرات دوره دکتری، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲)، *از جرم شناسی انتقادی تا جرم شناسی امنیتی*، تقریرات دوره دکتری، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

- نعناکار، مهدی (۱۳۷۷)، *افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعی*، کاشان: مرسل.

- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۷)، *محارب کیست و محاربه چیست؟*، فقه اهل بیت، ۱۳، ۸۲-۳.

- هاشمی، سید حسین (۱۳۹۵)، *نقد فقهی حقوقی استقلال جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی ۹۲*، حقوق تطبیقی، ۱۰۶، ۱۲۳-۱۴۶.

- هوساگ، داگلاس (۱۳۹۰)، *جرم انگاری افراطی*، ترجمه محمد تقی نوری، تهران: مجلد.

- Bouloc (Bernard) et Myaud (Yves). (1996). *Code pénal Comment Paris*, Dalloz.

- Cornu (Gérard), (sous la dir.de). (1992). *Vocabulaire juridique*, Paris, 3^eéd. PUF

- Desportes (Frédéric) et Francis le Gunehec. (2008). *Droit pénal général*, Paris, 9^eéd, Economica.

- Leclerc (Henri). (2013). *Le nouveau code pénal*, Paris, 3^eéd, Seuil.

- Larguier (Jean) et Philippe (Conte) et Anne – Marie larguier. (1994). *Droit pénal spécial*, 8^eéd Dalloz.

- Larguier (Jean) et Anne – Marie larguier. (1994). *Droit pénal spécial*, 8^eéd, Dalloz.

- Mayaud (Yves). (2016). *Code pénal*, Paris, 102^eéd, Dalloz.

- Pelletier (Hervé) et Jean Perfetti. (2003). *Code pénal*, Paris, Litec, Litec.

- Pradel (Jean) et Michel Danti – Juan. (2001). *Manuel de droit pénal spécial*, Paris, 2^eéd, Cujas.

- Rassat (Michèl – Laure). (2014). *Droit pénal spécial*, Paris, 7^eéd, Dalloz.